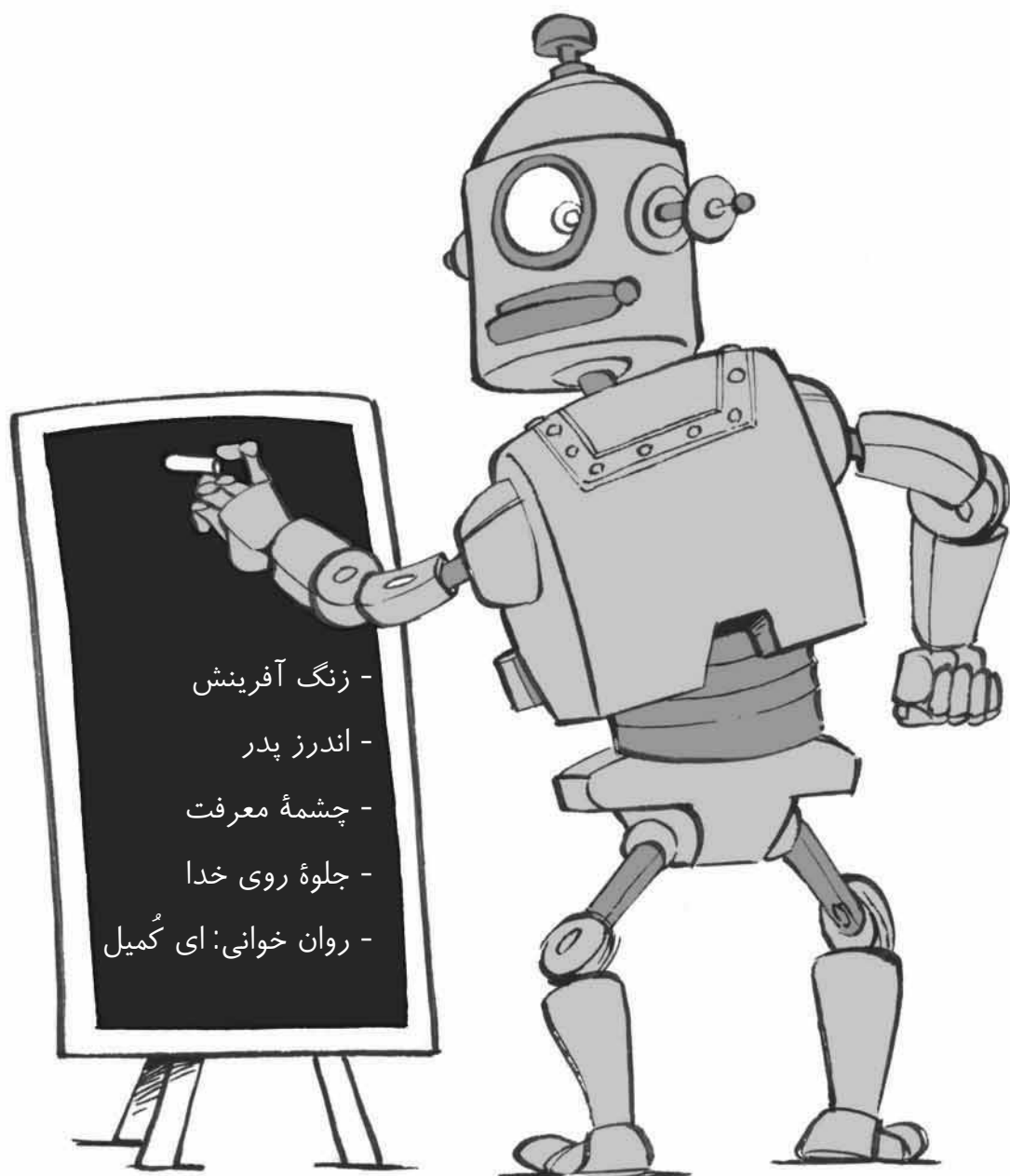


# فصل اول

## زیبایی آفرینش





قالب: چهارپاره یا دوبیتی پیوسته (با این قالب و خصوصیات آن در سال‌های آینده آشنا خواهید شد؛ همین قدر بدانید که چهارپاره شعری است که از چندین دو بیت ساخته شده است که در هر کدام از آن دو بیت قافیه‌ها در مصراع‌های دوم قرار گرفته است. البته چهارپاره شکل‌های دیگری هم دارد.)

شاعر: قیصر امین‌پور

استاد دانشگاه و شاعر معاصر، در سال ۱۳۳۸ در گتوند خوزستان متولد شد. دیپلم خود را در شهر دزفول گرفت و ابتدا در رشته پزشکی و جامعه‌شناسی پذیرفته شد ولی هر دو را رها کرد و به ادبیات روی آورد و در این رشته به درجه دکترا نایل شد. وی از شاعران موفق پس از انقلاب اسلامی به شمار می‌آید. «در کوچه آفتاب»، «تنفس صبح»، «مثل چشمه مثل رود»، «به قول پرستو» و «آینه‌های ناگهان» از آثار اوست. این استاد و شاعر خوش نام، دریا که به ناگهان و زود چشم از جهان فرو بست. وی در پاییز ۱۳۸۶ وفات یافت.

### صبح یک روز نو بهاری بود روزی از روزهای اول سال

لغت ◀ نوبهار. بهار نو، ابتدای بهار

معنی ◀ صبح یک روز، ابتدای فصل بهار و روزی از روزهای آغاز سال نو بود.

آرایه ◀ تکرار ← روز

نکات دیگر ◀ قافیه. سال (این کلمه با کلمه خوشحال در بیت بعد قافیه است!)

### بچه‌ها در کلاس جنگل سبز جمع بودند دور هم خوش‌حال

معنی ◀ بچه‌ها در جنگلی سبز که مثل کلاس بود، شاد و خوش‌حال دور هم جمع بودند.

آرایه ◀ تشبیه ← جنگل سبز به کلاس

نکات دیگر ◀ قافیه. خوشحال

### بچه‌ها گرم گفت‌وگو بودند باز هم در کلاس غوغا بود

لغت ◀ غوغا. آشوب و فریاد، همهمه

معنی ◀ بچه‌ها مشغول گفت‌وگو و حرف زدن بودند و دوباره در کلاس شلوغی و هیاهو بود.

آرایه ◀ کنایه ← گرم گفت‌وگو بودن، مشغول حرف زدن بودن

نکات دیگر ◀ قافیه. غوغا / ردیف. بود

### هر یکی برگ کوچکی در دست باز انگار زنگ انشا بود

لغت ◀ انگار. گویی، به نظر می‌رسد، مثل این که / انشا. نوشتن

معنی ◀ در دست هر کدام از بچه‌ها یک برگ کوچک بود، مثل این که دوباره زنگ انشا بود.

نکات دیگر ◀ قافیه. انشا / ردیف. بود / فعل «داشت» در مصراع اول حذف شده است.

## تا معلّم ز گرد راه رسید گفت با چهره‌ای پر از خنده:

- لغت ◀ گرد. غبار / چهره. صورت
- معنی ◀ تا معلّم رسید با صورتی خندان گفت.
- آرایه ◀ کنایه ← از گرد راه رسید. آمد، رسید
- نکات دیگر ◀ قافیه. خنده / این بیت با بیت بعد موقوف المعانی است.

### بیش‌تر بدانیم

#### موقوف المعانی

به ابیاتی که به دنبال هم می‌آیند و کامل کننده هم هستند، موقوف‌المعانی می‌گویند. یعنی ابیاتی که بیت اول معنای کاملی ندارد و بیت بعد معنای آن را کامل می‌کند.  
مثال ۱

تَهْمَتَن چَنین داد پاسخ بدوی      که ای بیّه‌ه مرد پرخاش جوی  
پیاده ندیدی که جنگ آورد؟      سرسرکشان زیر سنگ آورد؟

مثال ۲

پرسید زان پس که آمد به هوش      بدو گفت با ناله و با خروش  
که اکنون چه داری ز رستم نشان؟      که کم باد نامش ز گردن‌کشان

## باز موضوع تازه‌ای داریم «آرزوی شما در آینده»

- لغت ◀ موضوع. عنوان مطلب
- معنی ◀ دوباره موضوع جدیدی دارم، آرزوی شما در آینده چیست؟
- نکات دیگر ◀ قافیه. آینده / فعل «چیست» در مصراع دوم حذف شده است.

## شب‌نم از روی برگ گل برخاست گفت. می‌خواهم آفتاب شوم

- لغت ◀ برخاست. بلند شد / شب‌نم. قطره‌ای آب که صبح‌ها روی گل می‌نشیند
- معنی ◀ شب‌نم از روی برگ گل بلند شد و گفت. می‌خواهم در آینده آفتاب شوم
- آرایه ◀ مراعات نظیر (تناسب) ← شب‌نم، برگ، گل
- نکات دیگر ◀ قافیه. آفتاب / ردیف. شوم

## ذره ذره به آسمان بروم ابر باشم، دوباره آب شوم

- لغت ◀ ذره ذره. کم کم
- معنی ◀ کم کم به آسمان بروم و ابر شوم و دوباره باران شوم و تبدیل به آب شوم.
- آرایه ◀ تشخیص ← سخن گفتن شب‌نم / کنایه ← به آسمان رفتن. بخار شدن / کنایه ← آب شدن. باران شدن / مراعات نظیر (تناسب) ← آسمان و ابر
- نکات دیگر ◀ قافیه. آب / ردیف. شوم

### دانه آرام بر زمین غلتید رفت و انشای کوچکش را خواند

- لغت ◀ غلتیدن. حرکت با چرخیدن روی سطح  
 معنی ◀ دانه آهسته بر روی زمین چرخید و رفت و انشای کوتاه خود را خواند.  
 آرایه ◀ تشخیص — دانه انشای کوچکش را خواند.  
 نکات دیگر ◀ قافیه. خواند

### گفت. باغی بزرگ خواهم شد تا ابد سبز سبز خواهم ماند

- لغت ◀ ابد. زمانی که آن را نهایت نباشد، جاودان، همیشگی  
 معنی ◀ دانه گفت. من باغ بزرگی خواهم شد و تا همیشه سبز خواهم ماند.  
 آرایه ◀ تشخیص — سخن گفتن دانه / تکرار — سبز  
 نکات دیگر ◀ قافیه. ماند

### غنچه هم گفت. گرچه دل تنگم مثل لبخند باز خواهم شد

- لغت ◀ دل تنگ. بسته  
 معنی ◀ غنچه گفت. اگر چه من بسته هستم ولی مانند خنده شکفته می شوم.  
 آرایه ◀ تضاد — تنگ و باز / تشبیه — مثل لبخند (باز شدن غنچه به لبخند تشبیه شده)  
 نکات دیگر ◀ قافیه. باز / ردیف. خواهم شد

### با نسیم بهار و بلبل باغ گرم راز و نیاز خواهم شد

- لغت ◀ بلبل. پرندۀای خوش صدا / راز و نیاز. دعا، مناجات  
 معنی ◀ با باد بهاری و بلبل باغ مشغول راز و نیاز و گفت و گو خواهم شد.  
 آرایه ◀ مراعات نظیر (تناسب) — بلبل و باغ / کنایه — گرم راز و نیاز شدن. مشغول راز و نیاز شدن  
 نکات دیگر ◀ قافیه. نیاز / ردیف. خواهم شد

### جوجه گنجشک گفت. می خواهم فارغ از سنگ بچه ها باشم

- لغت ◀ فارغ. آسوده، راحت  
 معنی ◀ بچه گنجشک گفت. دوست دارم بچه ها به من سنگ نزنند.  
 آرایه ◀ تشخیص — سخن گفتن جوجه گنجشک / کنایه — مصراع دوم. در امان بودن از سنگ بچه ها  
 نکات دیگر ◀ قافیه. بچه ها / ردیف. باشم / این بیت با بیت بعد موقوف المعانی است.

### روی هر شاخه جیک جیک کنم در دل آسمان رها باشم

- لغت ◀ رها. آزاد  
 معنی ◀ روی همه شاخه ها جیک جیک کنم و در میانه آسمان آزاد باشم.  
 آرایه ◀ تشخیص — سخن گفتن جوجه گنجشک  
 نکات دیگر ◀ قافیه. رها / ردیف. باشم

## جوجه کوچک پرستو گفت. کاش با باد رهسپار شوم

- لغت ◀ پرستو. نام پرنده‌ای / رهسپار. در حرکت
- معنی ◀ جوجه پرستوی کوچک گفت. ای کاش من با باد بروم.
- آرایه ◀ تشخیص ← سخن گفتن جوجه پرستو
- نکات دیگر ◀ قافیه. رهسپار / ردیف. شوم / این بیت با بیت بعد موقوف‌المعانی است.

## تا افق‌های دور کوچ کنم باز پیغمبر بهار شوم

- لغت ◀ افق. کرانه آسمان / کوچ. مهاجرت، نقل مکان کردن / پیغمبر. پیامبر
- معنی ◀ تا جاهای دور مهاجرت کنم و دوباره پیام‌آور فصل بهار شوم.
- آرایه ◀ تشخیص ← سخن گفتن جوجه پرستو
- نکات دیگر ◀ قافیه. بهار / ردیف. شوم

## جوجه‌های کبوتران گفتند. کاش می‌شد کنار هم باشیم

- معنی ◀ بچه کبوترها گفتند. ای کاش می‌شد در کنار هم و با هم باشیم.
- آرایه ◀ تشخیص ← سخن گفتن بچه کبوترها
- نکات دیگر ◀ قافیه. هم / ردیف. باشیم / این بیت با بیت بعد موقوف‌المعانی است.

## توی گلدسته‌های یک گنبد روز و شب زائر حرم باشیم

- لغت ◀ گلدسته. مناره / زائر. دیدار کننده، زیارت کننده / حرم. محل دفن انسان‌های بزرگ
- معنی ◀ در مناره‌های یک گنبد همیشه زیارت کننده حرم باشیم.
- آرایه ◀ تشخیص ← سخن گفتن جوجه کبوتران / مراعات نظیر (تناسب) ← گلدسته و گنبد و زائر و حرم / تضاد ← روز و شب
- نکات دیگر ◀ قافیه. حرم / ردیف. باشیم

## زنگ تفریح را که زنجره زد باز هم در کلاس غوغا شد

- لغت ◀ زنجره. نوعی حشره که از خود صدا تولید می‌کند، سیرسیرک
- معنی ◀ وقتی سیرسیرک صدا کرد و زنگ تفریح را زد دوباره در کلاس شلوغی و همهمه شد.
- آرایه ◀ تشخیص ← زنجره (سیرسیرک، جیرجیرک) زنگ تفریح را زد.
- نکات دیگر ◀ قافیه. غوغا / ردیف. شد

## هر یک از بچه‌ها به سویی رفت و معلّم دوباره تنها شد

- لغت ◀ سو. طرف
- معنی ◀ هر کدام از بچه‌ها به یک طرف رفت و معلّم دوباره تنها شد.
- نکات دیگر ◀ قافیه. تنها / ردیف. شد

با خودش زیر لب چنین می گفت. آرزوهایتان چه رنگین است!

لغت ◀ رنگین. رنگارنگ، دارای رنگ

معنی ◀ معلّم زیر لب با خودش می گفت. چه آرزوهای رنگارنگ و مختلفی دارید!

نکات دیگر ◀ قافیه. رنگین / ردیف. است

کاش روزی به کام خود برسید، بچه ها، آرزوی من این است!

لغت ◀ کام. آرزو، میل، خواسته

معنی ◀ بچه ها آرزوی من این است که ای کاش روزی به خواسته های خود برسید!

نکات دیگر ◀ قافیه. این / ردیف. است

### خودآرزیایی

پاسخ 1) شبنم، دانه، غنچه، جوجه گنجشک، جوجه پرستو، جوجه کبوتر

شبیه سازی ◀ آرزوی دانه و غنچه در کلاس جنگل سبز چه بود؟

پاسخ 2) می خواهم بخار شوم و به خورشید برسم.

شبیه سازی ◀ منظور جوجه کوچک پرستو از «باز پیغمبر بهار شوم» چیست؟

پاسخ 3) (به عهده دانش آموزان)

### دانش های زبانی و ادبی

#### جمله

هر یک از بخش های کلام را که از کلمات تشکیل شده و معنای کاملی دارد، جمله می گویند. جمله برای انتقال پیام استفاده می شود و معمولاً دارای یک فعل است.

#### مثال

◀ کان روز به علم تو چه افزود      وز کرده خود چه برده ای سود

جمله اول

جمله دوم

◀ گفت. مرغان چنین نیابند. دانه پاشم تا این دانه به بر آید و خدای رحمت کند.

جمله اول

جمله دوم

جمله سوم

جمله چهارم

جمله پنجم

#### تشخیص

نسبت دادن ویژگی ها و خصوصیات انسان به غیر انسان را تشخیص یا شخصیت بخشی گویند. (به آن، انسان نمایی یا جان بخشی به اشیا هم می گویند.)

### مثال

- ◀ اشک‌ها بر پیشانی خاک بوسه می‌زدند.  
 ▶ گل بخندید و باغ شد پدرام (آراسته)  
 ▶ بنگریکی به رود خروشان به وقت آنک دریا پی پذیره‌اش آغوش برگشود  
 ▶ ای دل من تو را بشارت باد که تو را من به دوست خواهم داد  
 ▶ ما آبروی فقر و قناعت نمی‌بریم با پادشه بگوی که روزی مقدر است

### فعالیت‌های نوشتاری

پاسخ 1) صبح یکی از روزهای ابتدای بهار و روزی از روزهای اوّل سال بود، جنگل سبز مثل کلاسی بود و شاگردان این کلاس دور هم جمع بودند، بچه‌ها مشغول صحبت بودند و کلاس شلوغ و پر سروصدا بود. هر کدام از بچه‌ها برگه‌ای در دست داشتند و انگار دوباره زنگ انشا بود.

شبیه‌سازی) دو بند آخر درس «زنگ آفرینش» را به نثر ساده بنویسید.

پاسخ 2) الف) صفر (ب) غریب

شبیه‌سازی) واژه صحیح را با توجه به معنی جمله در جای خالی قرار دهید.

الف) او همیشه کارهای درست و ..... انجام می‌دهد. (ثواب - صواب)

ب) رزمندگان حق بر دشمنان ..... شدند. (غالب - قالب)

پاسخ 3) محترم - حریم - مرز - حرمت - تحریم - محرم - رحمت

شبیه‌سازی) با حروف زیر، چهار کلمه بنویسید که ارزش املائی داشته باشد.

ل، ق، م، ب، و، ت

پاسخ 4) غنچه هم گفت گرچه دل‌تنگم مثل لبخند باز خواهم شد

شبیه‌سازی) به نظر شما کدام‌یک از تشبیهات شعر «زنگ آفرینش» زیباتر است؟

پاسخ 5) کوه - لاله چمن - برف - آسمان - دماوند - بلندی - گل - استقامت - زیبایی

پاسخ 6) نمی‌دانم چرا وقتی دلم با من سخن می‌گوید، مدام دلش می‌خواهد آرام آرام حرکت کند و چیزی بنویسد.

چیزهایی که فقط او و کاغذ زیبای دل سفید می‌فهمید. گاهی فکر می‌کنم مداد و کاغذم با هم حرف‌های خصوصی

و سری دارند و وقتی من شروع به گوش کردن می‌کنم ناگهان ساکت می‌شوند.

شبیه‌سازی) جمله ناتمام زیر را با استفاده از شیوه جان‌بخشی در یک بند کامل کنید.

آسمان را .....

پاسخ 7) شخصی را پسر در چاه افتاد - گفت - جانِ بابا - جایی مرو تا من بروم - طناب بیاورم - تو را بیرون کشم.

شبیه‌سازی) حکایت زیر را بخوانید و جمله‌های آن را جداگانه بنویسید.

چون به نزدیک او رسیدند گفت. بدین نواحی کی آمده‌ای و موجب آمدن چه بوده است؟ دعا و ثنا گفت

و کمر به خدمت او بست.

**پاسخ 8)** انسان با امید و آرزو زندگی می‌کند و اگر آرزویی نداشته باشد زندگی هم برای او مفهومی ندارد. آرزوهای هر انسانی امید او را به زندگی بیش‌تر می‌کند و زندگی را برای او زیباتر می‌سازد و شادی را برای او هدیه می‌آورد.

**شبیه‌سازی** نظر خود را دربارهٔ جملهٔ «تا شقایق هست زندگی باید کرد» در دو سطر بنویسید.

### حکایت



## «اندرز پدر»

### لغات مهم متن

ایّام. جمع یوم، روزها	طایفه. گروه، خانواده
طفولیت. کودکی، خردسالی	گرد. دور، اطراف
متعبد. شکرگزار، عبادت کننده	دوگانه. نماز صبح
شب‌خیز. شب زنده‌دار، شب بیدار	بگزارد. به جا آورد
رحمة‌الله علیه. درود خدا بر او باد	به. خوب
مصحف عزیز. قرآن	پوستین. چیزی از جنس پوست، نوعی لباس
کنار. بغل، آغوش	خلق. مردم

### معنی نثر

در یادم هست که در دوران کودکی‌ام بسیار خداپرست و شب‌زنده‌دار بودم. یک شب همراه پدر نشسته بودم و در تمام شب نخواستیدم بودم و قرآن در آغوش گرفته بودم و گروهی دور ما خوابیده بودند. به پدرم گفتم. یکی از این‌ها بیدار نمی‌شود تا نماز صبح را بخواند، جوری خوابیده‌اند که انگار مرده‌اند. گفتم. عزیزم! تو هم اگر بخوابی بهتر از آن است که از مردم غیبت کنی.

### آرایه

سجع ← نشسته و بسته

سجع ← گرفته و خفته

کنایه ← در پوستین خلق افتادن. غیبت کردن

### بیش‌تر بدانیم

#### سجع

آن است که کلمات آخر دو عبارت از نظر آهنگ یکی باشند. (سجع در نثر مانند قافیه در شعر است).

مثال 1) هر که با بدان نشیند، نیکی نبیند.

مثال 2) خبری که دانی دلی بیازارد، خاموش باشی تا دیگری بیارد.

مثال 3) اندک اندک خیلی شود و قطره قطره سیلی.